

نظریه‌های در مورد مهاجرت با توجه به نمونه ایران

سیدسعید زاهد زاهدانی
دانشگاه شیراز

خلاصه

از جمله مسائل مهم جامعه کنونی ما مسأله مهاجرت است که تا کنون لاینحل باقی مانده و تحلیل کاملی از آن ارائه نگردیده است. اغلب متفکران از زاویه "قوانین جذب و دفع" بدان نگریده و درصدد توجیه آن برآمده‌اند. برخی دیگر از نقطه‌نظر تحلیل مسائل روان شناختی بدان نظر افکنده و گروهی دیگر راه‌حس را در تبیین مدل‌های احتمالاتی و یا روابط آماری در قالب محاسبه ضرائب همبستگی جستجو نموده‌اند. در این مقاله کوشش شده است تا ضمن بررسی این نظریات از این نظریه دفاع شود که برای متوازن نمودن حرکت‌های جمعیتی لازم است امکانات اجتماعی و اقتصادی بصورت متوازن توزیع گردند و این امر صورت نخواهد گرفت مگر آنکه روابط مسلط اجتماعی از حالت متمرکز بسوی غیرمتمرکز تغییر جهت داده شوند. در این کوشش از تحولات جامعه ایران در بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ استفاده گردیده و بر این مدعا اقامه دلیل شده است.

مقدمه

یکی از مسائل مهم جامعه ما مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها است که عواقب بسیار خطرناکی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی به دنبال دارد. تهی شدن روستا از نیروی انسانی در وضع ثابت تکنولوژیک اقتصاد کشاورزی را، که پایه استقلال کشور است، با رکود مواجه می‌نماید و انباشته شدن جمعیت در شهرها ضمن اضافه کردن بر تعداد مصرف‌کنندگان نیاز به منابع تولید، بخصوص تولیدات کشاورزی، را نیز بالا می‌برد. بدین ترتیب مسأله کمبود تولیدات کشاورزی رفته رفته با افزایش مهاجرت بیشتر می‌شود و بدنبال آن وابستگی اقتصادی کشور افزایش می‌یابد. از سوی دیگر انباشته شدن جمعیت

در شهرها مسائل خاص شهری و ناهنجاریهای اجتماعی را به صورت تصاعدی بالا می‌برد و بدون شک بر ساخت سیاسی جامعه نیز اثر می‌گذارد. از اینرو پرداختن به علل مسأله مهاجرت و یافتن راه حل اساسی به منظور متوازن نمودن حرکت‌های جمعیتی بین شهر و روستا ضروری و بلکه حیاتی به نظر می‌رسد و این مهم در صورتی انجام خواهد شد که تحلیل صحیحی از مسأله مهاجرت داشته باشیم.

تحلیل ما از وقایع اجتماعی به تئوری ما از آن وقایع بستگی پیدا می‌کند. بنابراین لازم است در ابتدا دارای نظریه‌ای منسجم و مطابق با واقع از مسأله باشیم تا بتوانیم با تحلیل صحیح به راه حل مناسب دست یازیم. نظر ما بر این است که حرکت‌های جمعیتی بدون یک برنامه‌ریزی جهت تخصیص صحیح نیروی انسانی هرگز متوازن نخواهد شد و جمعیت به طور صحیح توزیع نخواهد شد مگر آنکه امکانات به نحو متعادلی توزیع گردند، و توزیع امکانات متعادل نخواهد شد مگر آنکه روابط مسلط اجتماعی، که مهمترین عامل در توزیع امکانات است، به نحوی صحیح تنظیم گردد.

در این مقاله ابتدا به بررسی نظریه‌های مختلف در مورد مهاجرت می‌پردازیم و سپس با توجه به روابط اجتماعی، امکانات، و توزیع جمعیت در ایران قبل از انقلاب اسلامی بررسی عینی نظریه فوق را دنبال می‌کنیم. به عبارت دیگر ما درصدد اثبات این نظریه‌ایم که در رژیم گذشته به علت وضع قوانین و ایجاد روابط متمرکزگرا، امکانات به صورت متمرکز و قطبی توزیع می‌شد. چنین سیاستی موجب شد تا جمعیت به سوی شهرها، که از امکانات بیشتری برخوردار بودند، هجوم آورد و به تخلیه مناطق روستایی منجر گردد.

نظریه‌های مهاجرت

مهاجرت به معنی آن است که فرد از وطن خود به جای دیگر انتقال یابد بدان سان که این تغییر مکان به صورت ثابت تا نیمه ثابت در آید^۱. در مورد مهاجرت هنوز تئوری جامع الاطرافی که مورد توافق همگان باشد تدوین نشده است و نظریاتی که در این مورد عرضه می‌شود اغلب در قلمرو فرض و در نهایت "فرضیه علمی" قرار می‌گیرند. با توجه به مطلب فوق هم‌اکنون به معرفی اجمالی برخی از نظریات مطرح شده می‌پردازیم.

اولین کسی که به دریافت قوانین این پدیده اجتماعی همت گماشت یک اقتصاددان انگلیسی به نام راونشتین^۲ بود که در سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ به طرح قوانین "جذب و دفع" پرداخت. به عقیده او عوامل جذاب اجتماعی، اقتصادی، و فیزیکی فرد مهاجر را به سوی

مهاجرت جلب می‌نماید و عوامل نامطلوب اجتماعی، اقتصادی، و فیزیکی او را از محل اقامت خویش دفع می‌کند.^۳ این نظریه در سال ۱۹۲۹ نیز مورد تأیید ردفورد قرار گرفت.^۴ در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۶ استافر^۵ و زیپف^۶ به ترتیب به عوامل میانی در مهاجرت اشاره می‌نمایند با این تفاوت که استافر به موقعیتها و عوامل مؤثر در مهاجرت توجه می‌کند،^۷ و زیپف برای عامل جذب یک رابطه یا فرمول ارائه می‌نماید.^۸

در سال ۱۹۵۶ هاگن استراند به بیان رابطه مهاجرت و منطقه می‌پردازد و سعی می‌نماید تا مدلی برای ارتباط بین این دو متغیر بیابد. این نوع پرداختن به مسأله در قالب نظریه مدلهای احتمالاتی مهاجرت^۹ مطرح می‌گردد که در آن سعی می‌شود، با استفاده از مدلهای آماری، رابطه بین متغیرهای مختلف با مهاجرت به دست آید.^{۱۰}

در سال ۱۹۶۱ بشرز و نیشورا^{۱۱} خلاصه‌ای از نظریه افتراق در مهاجرت^{۱۲} به دست می‌دهند. بر اساس این نظریه رابطه آماری بین مهاجرت و متغیرهای مختلف نظیر سن، جنس، سواد، و جز آنها مورد ملاحظه قرار می‌گیرند و ضرائب همبستگی بین مهاجرت و متغیر اختیار شده محاسبه می‌شوند.^{۱۳}

در سال ۱۹۶۲ شولتز و سجاستد^{۱۴} به سرمایه‌گذاری انسان در امر مهاجرت می‌پردازند به نظر آنها هر مهاجری آنچه را که از دست می‌دهد با آنچه را که ممکن است به دست آورد مقایسه می‌کند. اگر دست آوردهایش بیش از فقدانها باشد دست به مهاجرت می‌زند وگرنه آن را به دست فراموشی می‌سپرد.^{۱۵}

در سال ۱۹۶۶ اورت اس.^{۱۶} الی در قالب نظریه جذب و دفع به تحلیل عوامل میانی بین مبداء و مقصد می‌پردازد و بر آن است که علاوه بر عوامل مثبت و منفی و خنثی که در مبداء و مقصد وجود دارند عوامل میانی نیز در امر مهاجرت مؤثر می‌باشند و بدون توجه بدین عوامل نمی‌توان تصویری درست از مسأله ارائه نمود.^{۱۷}

لاوری و راجرز^{۱۸} در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ در قالب نظریه جذب و دفع به شرایط اجتماعی - اقتصادی مبداء و مقصد پرداختند و سعی نمودند تا متغیرهای اجتماعی و اقتصادی مؤثر در جذب و دفع را به دست آورند.^{۱۹}

لازم به یادآوری است که نظریات ذکر شده در بالا توسط دکتر محمد حمصی به سه دسته زیر تقسیم‌بندی شده‌اند: اول نظریه جذب و دفع که بوسیله راونشتین آغاز شد و سپس با اضافه شدن عوامل میانی بدان به کمال بیشتری دست یافت. دوم نظریه لاوری و راجرز که به مسائل اجتماعی - اقتصادی مبداء و مقصد در قالب نظریه جذب و دفع می‌پردازد.

همچنین نظریه شولتز و سجااستد، که به امر سرمایه‌گذاری مهاجر عنایت دارد، نیز در همین مقوله جای می‌گیرد. و بالاخره سومین دسته از نظریات نظریه افتراق در مهاجرت و مدل‌های احتمالاتی مهاجرت است که به رابطه آماری بین متغیر مهاجرت از یکسو و دیگر متغیرهای مورد انتخاب از سوی دیگر نظر دارد^{۲۰}.

در ذیل این سه دسته از نظریات را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم و سپس اصول نظریه خود را جهت تبیین مسأله مهاجرت ارائه می‌نماییم.

آنچه به طور کلی در مورد همه نظریات ذکر شده در بالا می‌توان گفت مشکل حضور نوعی جزئی‌نگری در آنهاست. توجه ننمودن به مجموعه عوامل حاکم بر یک متغیر شناخت ما از آن را محدود به تغییرات درونی آن، بدون توجه به علت‌های تغییر، می‌نماید که در نتیجه شناخت ما همیشه در موضوع مورد نظر منقل از فعل و انفعالات آن است. اگر شناخت ما شناخت انفعالی باشد هرگز قادر به تسلط بر موضوع و مآلا "برنامه‌ریزی جهت کنترل آن نخواهیم بود و برنامه‌ریزی‌های ما همیشه محدود به رفع عوارض موضوع مورد مطالعه خواهد شد.

در نظریات ذکر شده همواره تحولات متغیرها در داخل مکانیزم مهاجرت مورد بررسی قرار گرفته است. نگاهی به کلیه برنامه‌ریزی‌های کنترل مهاجرت، بخصوص در کشورهای جهان سوم، که نمود و ابتلاء به مسأله در میان آنها بارزتر است، ناموفق بودن برنامه‌ریزی‌ها را مشخص می‌نماید. اگر شناخت آنها از مسأله مهاجرت یک شناخت واقعی می‌بود بدون شک قادر به اثرگذاری بر آن نیز می‌شدند. ولی چون شناخت شناختی کامل و فراگیر نبوده است لذا برنامه‌ریزی نشأت گرفته از آن نیز طبعاً ناموفق بوده است.

اگر با دیدی وسیعتر بدین مسأله بنگریم و در انتزاع متغیرها در هر سطح عوامل نامربوط به آن سطح از انتزاع را در استنتاج دخالت ندهیم شناخت صحیحتری از آن به دست خواهیم آورد. این امر در صورتی ممکن خواهد شد که با دید سیستمی به موضوع مورد مطالعه بنگریم و در هر مرحله از کار هم سیستم مسأله و هم سیستم خارجی اثرگذار بر آن را دقیقاً شناسائی کنیم. به عبارت دیگر از آنجا که سیستم مهاجرت نیروی حرکت خویش را از یک سیستم مافوق می‌گیرد در این صورت تا آن سیستم شناسائی نگردد پدیده مهاجرت نیز دقیقاً تحلیل نخواهد شد.

هرچند در نظریه جذب و دفع، به عوامل جذب و دفع مقصد و مبدا، که بر امر مهاجرت اثر می‌گذارند، پرداخته می‌شود، اما رابطه بین این عوامل به طور مستقل و در

یک سیستم واحد مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، خصلتهای عوامل دفع و جذب در رابطه با یکدیگر سنجیده نمی‌شوند، و نقش هر کدام در میزان اثرگذاری بر پدیده مهاجرت نسبت به دیگر عوامل مشخص نمی‌گردد. با مشخص نبودن هویت هر یک از عوامل جذب و دفع علت ایجاد خود آنها، که در حقیقت علت مهاجرت نیز می‌باشد، قابل پیگیری نخواهد بود. در نظریه‌ی لی، که به عوامل مثبت و منفی و خنثی در مبداء و مقصد و عوامل میانی بین مبداء و مقصد می‌پردازد، حرکتی جهت ایجاد رابطه بین عوامل مؤثر در مهاجرت در یک سیستم واحد می‌شود، اما این کوشش موجب ترسیم و یا شناخت کامل سیستم عوامل دفع و جذب نمی‌گردد. از اینرو شناخت حتی در داخل مکانیزم مهاجرت ناقص باقی می‌ماند. این انتقاد شامل نظریه‌ی زیپف و استافر نیز می‌شود.

نظریه‌ی لاوری و راجرز که به شرایط اجتماعی - اقتصادی مبداء و مقصد توجه دارد در واقع کوششی است برای هماهنگ دیدن مسائل دفع و جذب. اما این کوشش به علت ضعف دسته‌بندی مسائل به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسد. آنان مثلاً، حضور عامل بیکاری در مبداء و به دست آوردن کار در مقصد را وسیله‌ی دفع از مبداء و جذب به مقصد تصور می‌نمایند و حال آنکه آنچه موجب بوجود آمدن موقعیت‌های شغلی در یک محل و از بین رفتن آن در محلی دیگر می‌شود در سیستمی قرار می‌گیرد که حرکت‌های جمعیتی نیز منتهج فعل و انفعالات آن سیستم می‌باشد. به عبارت دیگر، حرکت‌های جمعیتی و بیکاری هر دو معلول ترکیب عوامل مافوق خویشانند که باید مورد تعلیل و تحلیل قرار گیرند.

شولتز و سجاستد و همچنین نظریات متکی بر انطباق^{۱۲} فرد مهاجر تحلیل مهاجرت را تا سطح روان‌شناسی افراد مهاجر تقلیل داده و بدین جهت از ارائه شناخت کامل این پدیده و عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن عاجز مانده‌اند. روشن است که مسائل روانی قانونمندی مخصوص به خود را دارند و مسائل اقتصادی نیز از قوانین خویش پیروی می‌نمایند. هرچند که این دو سیستم بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند اما نحوه‌ی ارتباط و میزان اثرگذاریشان بر یکدیگر مسأله قابل تأملی است. در موضوع مهاجرت تنها با استناد به سیستم روانی نمی‌توان شناخت جامع الاطرافی از مسأله به دست داد.

در مورد نظریه‌ی افتراق در مهاجرت جزئی‌نگری به نحو بارزی قابل مشاهده است و طبیعتاً از حاصل تحقیقات مبتنی بر این نظریه نمی‌توان انتظار شناخت جامع و مانعی از پدیده مهاجرت داشت. از آنجا که نگرش به متغیرهای مختلف بدون توجه به

جایگاه سیستمی آن متغیرها در مجموعه متغیرهای مؤثر در مهاجرت می‌باشد، لذا طبیعی می‌نماید که به بعضی از متغیرها اهمیتی بیش از حد و به برخی دیگر اهمیتی کمتر از حد واقعی آنها داده شود. این وضع بیش از آنکه شناختی صحیح و اصیل برای ما حاصل نماید به احتمال قوی به گمراهی ذهن منجر خواهد شد.

بر نظریه مدلهای احتمالاتی مهاجرت اگر به تک متغیرها اهمیت داده شود نیز انتقاد وارد بر نظریه افتراق در مهاجرت وارد است. اما اگر در این مدلهای احتمالاتی از چند متغیر مختلف استفاده شود اولاً "انتخاب هر متغیر نیاز به ملاک صحیحی برای انتخاب دارد، که معمولاً بر اساس همبستگی آماری بیشتر بین آن متغیر و پدیده مهاجرت طبق مطالعات قبلی صورت می‌پذیرد، و ثانیاً "آنکه این متغیرها می‌باید مجموعاً نشانگر یک سیستم کامل باشند، که بستگی به تئوری تحلیل وقایع اجتماعی و اقتصادی پژوهشگر دارد. در مورد انتخاب متغیر بر اساس همبستگی آماری باید خاطرنشان نمود اولاً "هرگز رابطه همه متغیرها با پدیده مهاجرت به دست نیامده و محققین به متغیرهای پرداخته‌اند که به تصور آنها مرتبط با مسأله مهاجرت بوده‌اند. ثانیاً "به علت متنوع بودن زمینه‌هایی که مهاجرت در آنها صورت می‌پذیرد نمی‌توان مطمئن شد در همه مطالعات به یک همبستگی واحد بین متغیر خاصی با مهاجرت دست یافت. در سیستم سازی از متغیرهای مختلفی که اینگونه انتخاب می‌شوند نیز آشکار است که ذهن و تجربه محقق ترکیب کننده متغیرها خواهد بود نه واقعیت عالم خارج. به فرض اینکه در مورد هر متغیر واقعیت عالم خارج صحیح در نظر گرفته شود ایدئولوژی حاکم بر جامعه معین کننده نقش و رابطه بین متغیرها خواهد بود که طبیعتاً حاصل ترکیب هم اگر صحیح انجام شود برای مقطع خاص و جامعه خاصی قابل استناد است و قابل تعمیم نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در انتخاب و ترکیب متغیرها پدیده مهاجرت و ذهنیت محقق حاکم بر نظریه است نه نظریه حاکم بر پدیده. به بیان دیگر شناخت انفعالی است.

طرح یک نظریه

با توجه به آنچه آمد هیچیک از نظریات ذکر شده در بالا نمی‌توانند شناخت صحیحی از مسأله مهاجرت به دست دهند و طبیعتاً "برنامه‌ریزی بر اساس هر یک از این نظریه‌ها نیز نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. در طرح نظریه زیر کوشش خواهیم کرد با اجتناب

از انتقادات وارده بر نظریات فوق اصول و مفاهیم آن را بیان داریم و همانطور که در آغاز این مقاله نیز یادآور شدیم با توجه به اوضاع حاکم بر جامعه ایران قبل از انقلاب اسلامی شواهد عینی بر صدق آن اقامه کنیم.

می‌دانیم که مردم برای تأمین معاش، کسب رفاه، و به طور کلی رفع نیازهای خویش به سوی مناطقی که در آنها امکاناتی وجود دارد می‌روند. امکان به چیزی گفته می‌شود که مردم با استفاده از آن قادر به رفع نیازی باشند. در صورتی مردم قادر به استفاده از امکانی برای رفع نیاز خویشاند که استفاده از آن را در اختیار داشته باشند. به عبارت دیگر، انسان قادر به اثرگذاری بر محدوده‌ای است که در اختیار اوست و اگر چیزی از حیطه اختیار فرد خارج باشد قدرت اثرگذاری بر آن را نیز ندارد. پس محدوده اختیار انسان همان محدوده امکان اوست.

در جوامع مختلف قوانین و هنجارهای وضع شده اجتماعی محدوده اختیار فرد را مشخص می‌نماید و تکنولوژی ضریبی برای این محدوده است. منظور از تکنولوژی کلیه روش‌ها، دستگاهها، سازمانها، ابزار ابداعی و یا ساخته شده توسط انسان است که برای برخورد با محیط و به خدمت در آوردن نیروهای شخصی و محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اگر قوانین و هنجارها اختیارات را به صورت قطبی توزیع نمایند با ضریب تکنولوژی امکانات نیز به صورت قطبی توزیع می‌شوند. اگر قوانین و هنجارها اختیارات را غیرقطبی توزیع نمایند با ضریب تکنولوژی امکانات نیز به صورت غیرقطبی توزیع می‌گردند. مجموعه قوانین و هنجارهای اجتماعی را روابط اجتماعی می‌نامیم. بنابراین می‌توان گفت روابط اجتماعی با ضریب تکنولوژی محدوده اختیار انسان را معین می‌کنند. قبلاً "گفتیم محدوده اختیار منطبق بر محدوده امکان است، پس می‌توان نتیجه گرفت روابط اجتماعی با توزیع اختیارات در حقیقت امکانات را مشخص می‌نمایند. نیز گفتیم که انسانها برای رفع نیاز خویش به سوی امکانات می‌روند و تجمع‌های انسانی را بوجود می‌آورند. پس در واقع نقل مکان انسانها تابع روابط اجتماعی مسلط بر جامعه می‌باشد و تکنولوژی ضریبی برای نقل مکان یا مهاجرتها است.

در سطح اجتماعی امکانها با یکدیگر در ارتباطند و نحوه توزیع آنها از انسجام خاصی برخوردار است. وضع روابط اجتماعی نیز چنین است. به عبارت دیگر می‌توان از امکانات توزیع شده در سطح جامعه و روابط اجتماعی حاکم بر آن تعبیر سیستم نمود.

سیستم امکانات نحوه توزیع امکانات را مشخص می‌نماید و سیستم روابط اجتماعی چگونگی و نحوه روابط اجتماعی را روشن می‌کند. علی‌هذا بر طبق استدلال فوق سیستم روابط اجتماعی معین کننده سیستم توزیع امکانات در هر جامعه می‌باشد و چون انسانها برای رفع نیاز خویش مجبور به استفاده از امکانات می‌باشند در این صورت سیستم توزیع امکانات معین کننده نحوه پراکندگی جمعیت در مناطق مختلف خواهد بود.

از سوی دیگر سیستم روابط اجتماعی در یک نظام معمولاً "متحرک و پویا است و قوانین همواره در ربط با یکدیگر عمل می‌نمایند. قوانینی کنار گذاشته می‌شوند و قوانین وضع شده جدید به مجموعه روابط اجتماعی اضافه می‌گردند. سیستم امکانات نیز یک سیستم پویا و متحرک می‌باشد. در گوشه و کنار یک جامعه امکانات جدیدی به وجود می‌آیند و جانشین امکانات قبلی بی‌مصرف می‌گردند. حرکت‌های جمعیتی نیز از این قاعده سرکنار نیستند و همواره جمعیتها در حال تحرک و جابجائی هستند. به این ترتیب جامعه‌های را نمی‌توان یافت که تحرک جمعیتی نداشته باشد و در آن مهاجرت صورت نپذیرد. اما کمیت و کیفیت مهاجرت تابعی است از سیستم توزیع امکانات و تحولات مربوط به آن، که تحولات سیستم اخیر نیز بنوبه خود تابعی است از تغییر و تحول در سیستم روابط اجتماعی. به عبارت دیگر وضع قوانین جدید در یک جامعه امکانات را به نحو جدیدی توزیع می‌نماید و بر اساس آن حرکت‌های جمعیتی به گونه جدید صورت می‌پذیرد. هم‌اکنون با توجه به تحولات جامعه ایران در بین سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۵۶ به بررسی نظریه فوق می‌پردازیم.

روش بررسی

همانطور که در قسمت نظریه‌ها ذکر شد دید ما به مسأله مهاجرت یک نگرش سیستمی است. و متغیرهای مؤثر در ایجاد حرکت‌های جمعیتی را یک سیستم می‌دانیم. سیستم عبارت است از یک مجموعه از اجزاء که در ربط با یکدیگر باشند و هدف خاصی را محقق سازند. در هر سیستم حداقل سه عنصر را می‌توان تشخیص داد: اجزاء، روابط، و هدف. در بین این سه عنصر روابط نقش اجزاء در مجموعه سیستم را مشخص می‌کند و با کنار هم قرار گرفتن اجزاء طبق نقشی که روابط تعیین کننده آن است هدف محقق می‌گردد^{۲۲}.

هرکدام از مفاهیم اصلی ما یک سیستم می‌باشند و به صورت سیستمی بر یکدیگر اثر می‌گذارند. این مفاهیم عبارتند از روابط اجتماعی، امکانات، و تجمع نیروی انسانی.

روابط اجتماعی، به طوری که در قسمت نظریه‌ها آمد، عبارت است از مجموعه قوانین و هنجارهای اجتماعی. امکان هر چیزی است که انسان قادر به استفاده از آن باشد و توانایی اثرگذاری بر آنرا داشته باشد. تجمع نیروی انسانی به گرد آمدن افراد در یک مکان می‌گوئیم که به صورت جغرافیایی قابل مرزبندی باشد.

برای انجام تحقیق لازم است برای هر یک از مفاهیم فوق تعریف عملی انتخاب نمائیم، تا دست‌یابی به آن سهل‌تر باشد و تجزیه و تحلیل امر با دقت بیشتری صورت گیرد. به طوری که گفتیم در یک سیستم روابط نقش اجزاء را تعیین می‌کنند. اجزاء جامعه افرادی هستند که در آن مشغول زندگی و فعالیت می‌باشند. به عبارت دیگر روابط اجتماعی تعیین کننده نقش هر یک از افراد در جامعه است. اگر به زیر سیستم‌های جامعه توجه نمائیم برحسب روابط در سیستم و زیر سیستم‌های مختلف نقش‌ها تغییر می‌نمایند. از این جهت است که هر فرد در جامعه بیش از یک نقش دارد. اما در سطح سیستم اجتماعی شغل فرد به عنوان نقش اجتماعی او تلقی می‌شود. بنابراین از برخورد روابط اجتماعی، مشاغل پدید می‌آیند که افراد آن جامعه با اشغال آنها هدف جامعه را محقق می‌نمایند. از این رو سیستم مشاغل را در هر زمان تعریف عملی برای سیستم روابط اجتماعی در آن زمان در نظر می‌گیریم. سیستم روابط اجتماعی اگر به سمت تمرکز میل کند و برای عده یا گروه خاصی از جامعه امتیازات و قدرت اثرگذاری بیشتری در نظر بگیرد در این صورت مشاغل قطبی در جامعه ایجاد می‌گردد و اکثریت مردم برای انجام امور خویش مجبور به مراجعه به آن عده یا گروه خاص می‌شوند. بر این نوع سیستم روابط تمرکزگرا حاکم است. اما اگر روابط به گونه‌ای باشد که امتیازات و قدرت اثرگذاری را بین مردم توزیع نماید در این صورت مشاغل قطبی بوجود نخواهد آمد و مردم با مراجعه به یکدیگر به انجام امور خویش می‌پردازند. بر این نوع از سیستم روابط غیرتمرکزگرا حاکم است. اگر سیستم روابط اجتماعی از نوع اول باشد در محلی که عده مشاغل قطبی وجود دارد امکانات نیز مجتمع می‌گردد. اما اگر روابط اجتماعی از نوع دوم باشد امکانات توزیع غیرقطبی شده مساوات در سطح جامعه قابل مشاهده خواهد بود.

امکانها در ربط با یکدیگر سیستم امکانات جامعه را تشکیل می‌دهند. از زمانی که پول به عنوان وسیله مبادله مورد استفاده قرار گرفته است می‌توان از آن به عنوان نشانه‌ای بارز از وجود امکانات یاد نمود. اگر پول در چرخش باشد امکان بالفعل می‌شود اما اگر به

صورت راكد در آيد امكان بالفوه‌ای است كه نمی‌توان آنرا جزء امكانات اجتماعی محسوب نمود. بنابراین اگر حجم اعتبارات تخصیص یافته به هر بخش از اقتصاد را در نظر بگیریم در حقیقت مقدار امكان در اختیار آن بخش قرار گرفته را خواهیم داشت.

حجم اعتبارات عمران شهری و حجم اعتبارات عمران روستائی معین‌کننده امكانات تعلق گرفته به شهر و روستا جهت توسعه آینده آنها می‌باشد. پس مقدار اعتبارات عمرانی را به عنوان شاخص امكان توسعه در نظر می‌گیریم و برای شهر و روستا اعتبارات عمرانی مصوب را نشانه امكان توسعه هر یک در مدت زمان تخصیص اعتبار قلمداد می‌نمائیم.

لازم به ذکر است كه در حقیقت حجم اعتبارات مصرف شده نشانگر امكان بالفعل است اما چون در عمل برای کلیه برنامه‌های عمرانی كشور قادر به محاسبه اعتبارات مصرف شده نبودیم به اعتبارات مصوب كه در حقیقت امكان بالقوه رشد شهر و یا روستا می‌باشد اكتفا نمودیم، و این از نارسائیهای تحقیق می‌باشد.

همچنین واضح است كه انتخاب یک متغیر (اعتبارات عمرانی) به عنوان نشانه یک سیستم (سیستم امكانات) بیانگر كامل مطلب نیست. و در اینجا لازم است سیستم امكانات با دقت بیشتری محاسبه گردد. اما به نظر می‌رسد جهت اثبات کلی مطلب ایسن شاخص کافی بر مقصود باشد.

در مورد تجمع نیروی انسانی تعداد جمعیت هر سکونتگاه را به عنوان تعریف عملی در نظر می‌گیریم. در مورد نوع سکونتگاه هم به تعریف مركز آمار ایران و سازمان برنامه و بودجه رو می‌آوریم. برطبق این تعریف هر سکونتگاه با جمعیت بیش از ۵۰۰۰ نفر شهر و با جمعیت کمتر از ۵۰۰۰ نفر روستا می‌باشد^{۳۳}.

در این تحقیق سه برنامه عمرانی سوم، چهارم، و پنجم (۱۳۴۱-۱۳۵۶) را انتخاب و میزان اعتبارات تخصیص یافته به بخش عمران شهری و روستائی در هر سه برنامه را مشخص می‌کنیم و اثرات آنرا بر تحولات جمعیتی بین سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ بررسی می‌نمائیم. برای سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ از آمار جمعیتی سرشماری مركز آمار ایران و برای سالهای بین آنها از آمارگیری نمونه همان مركز استفاده می‌شود. پس از مشخص شدن نحوه تغییرات جمعیتی و نحوه توزیع اعتبارات عمران شهری و روستائی به بررسی سیستم مشاغل در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵، مجدداً بر اساس اطلاعات و آمار مركز آمار ایران، می‌پردازیم و تغییر نوع روابط را از لحاظ میزان تمرکزگرائی بین این دو سال مشخص می‌کنیم. در نهایت

بررسی ارتباط بین تغییر در سیستم مشاغل، مقدار تخصیص اعتبارات عمران شهری و روستایی در طول سه برنامه مذکور، و نوع حرکت‌های جمعیتی ما را به هدف رهنمون می‌گردد. به عبارت دیگر بررسی رابطه بین این سه متغیر به ما کمک می‌نماید تا طرح نظری عنوان شده را در عمل به تجربه بگذاریم و مقدار تطبیق با واقعیت آنرا به محک بزنیم.

تحلیل اطلاعات

نگاهی به آمار جمعیت شهرها بخصوص شهرهای بزرگ کشور رشد سریع آنها را به وضوح نشان می‌دهد. جدول شماره ۱ تعداد جمعیت شهرهای با بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر سکنه در سال ۱۳۴۵ را در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ نشان می‌دهد و نرخ رشد هر یک را طی ده سال مشخص می‌نماید. نرخ رشد طبیعی جمعیت کل کشور در بین سالهای ذکر شده ۲/۶۷ می‌باشد. (مقایسه نرخ رشد طبیعی جمعیت با نرخ رشد هر یک از شهرهای مذکور نشان دهنده میزان رشد جمعیت آن شهر از طریق مهاجرت است.)

جدول شماره ۱

جمعیت شهرهای بزرگ (بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵)
و نرخ رشد آنها در بین سالهای ۵۵-۱۳۴۵

| نام شهر | تعداد جمعیت | | نرخ رشد ۵۵-۱۳۴۵ |
|----------|-------------|---------|--------------------|
| | ۱۳۴۵ | ۱۳۵۵ | |
| تهران | ۲۷۱۹۷۳۰ | | |
| تجریش | ۱۵۷۲۸۶ | ۴۵۳۰۲۲۳ | ۴/۱۹ |
| ری | ۱۰۲۸۲۵ | | |
| اصفهان | ۴۲۴۰۴۵ | ۶۶۱۵۱۰ | ۴/۴۵ |
| مشهد | ۴۰۹۶۱۶ | ۶۶۷۷۷۰ | ۴/۸۹ |
| تبریز | ۴۰۳۴۱۳ | ۵۹۷۹۷۶ | ۳/۹۴ |
| آبادان | ۲۷۲۹۶۲ | ۲۹۴۰۶۸ | ۰/۷۵ |
| شیراز | ۲۶۹۸۶۵ | ۴۲۵۸۱۳ | ۴/۵۶ |
| اهواز | ۲۰۶۳۷۵ | ۳۳۴۳۹۹ | ۴/۸۳ |
| کرمانشاه | ۱۸۷۹۳۰ | ۲۹۰۶۰۰ | ۴/۳۶ |
| رشت | ۱۴۳۵۵۷ | ۱۸۸۹۵۷ | ۲/۷۵ |
| قم | ۱۳۴۲۹۲ | ۲۴۷۲۱۹ | ۶/۱۰ |
| همدان | ۱۲۴۱۶۷ | ۱۶۵۷۸۵ | ۲/۸۹ |
| ارومیه | ۱۱۰۷۴۹ | ۱۶۴۴۱۹ | ۳/۹۵ |

مآخذ تعداد جمعیت: سالنامه آماری ۱۳۵۰، صفحه ۳۴.
سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبانماه ۱۳۵۵، کل کشور.

برای روشن‌تر شدن ابعاد مهاجرت به شهرها جدول شماره ۲ برآورد درصد رشد جمعیت سالانه و میزان شهرنشینی در استانهای مختلف کشور در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ را نشان می‌دهد. همان قسم که از این جدول بر می‌آید در بین سالهای مذکور رشد سالانه شهرهای کشور ۴/۷۵ درصد بوده است که در مقایسه با درصد رشد جمعیت روستاها افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲

برآورد درصد رشد جمعیت سالانه و میزان شهرنشینی در

استانها در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۵۵ (درصد)

| استان | برآورد درصد رشد سالانه (۱) | | برآورد میزان شهرنشینی | |
|---------------------|----------------------------|------|-----------------------|------|
| | کل | شهری | ۱۳۴۵ | ۱۳۵۵ |
| کل کشور | ۲/۶۸ | ۴/۷۵ | ۲۸/۰ | ۴۷/۰ |
| تهران | ۴/۲۳ | ۴/۶۵ | ۸۷/۵ | ۹۱/۳ |
| مرکزی | ۲/۲۷ | ۵/۹۱ | ۲۹/۴ | ۴۲/۳ |
| گیلان | ۲/۰۱ | ۴/۱۸ | ۲۲/۰ | ۲۹/۲ |
| مازندران | ۲/۵۸ | ۵/۶۵ | ۲۳/۹ | ۳۲/۵ |
| آذربایجان شرقی | ۱/۹۲ | ۴/۵۳ | ۲۸/۷ | ۳۷/۲ |
| آذربایجان غربی | ۲/۵۸ | ۴/۷۶ | ۲۵/۵ | ۳۱/۷ |
| کرمانشاهان | ۲/۴۳ | ۴/۵۸ | ۳۴/۰ | ۴۲/۹ |
| خوزستان | ۲/۴۷ | ۳/۶۵ | ۵۱/۷ | ۵۸/۳ |
| فارس | ۲/۵۱ | ۴/۰۵ | ۳۶/۷ | ۴۲/۹ |
| کرمان | ۲/۵۹ | ۵/۷۴ | ۲۳/۳ | ۳۲/۱ |
| خراسان | ۲/۵۹ | ۵/۳۵ | ۲۸/۸ | ۳۸/۱ |
| اصفهان | ۳/۲۱ | ۴/۹۶ | ۵۲/۸ | ۶۲/۹ |
| سیستان و بلوچستان | ۲/۷۹ | ۸/۰۹ | ۱۴/۴ | ۲۴/۵ |
| کردستان | ۲/۳۳ | ۶/۲۰ | ۱۶/۵ | ۲۴/۳ |
| همدان | ۲/۰۱ | ۳/۴۳ | ۲۵/۹ | ۲۹/۹ |
| چهارمحال و بختیاری | ۲/۶۹ | ۴/۷۱ | ۲۹/۰ | ۳۵/۶ |
| لرستان | ۱/۹۶ | ۵/۷۴ | ۲۱/۶ | ۳۱/۵ |
| ایلام | ۰/۹۸ | ۷/۵۶ | ۹/۵ | ۱۹/۷ |
| کهگیلویه و بویراحمد | ۲/۴۹ | ۶/۸۵ | ۸/۱ | ۱۳/۶ |
| بوشهر | ۲/۹۵ | ۷/۵۶ | ۲۱/۱ | ۳۴/۲ |
| زنجان | ۲/۲۵ | ۵/۰۹ | ۱۱/۹ | ۲۸/۴ |
| سمنان | ۱/۴۸ | ۳/۳۲ | ۰/۳۰ | ۴۲/۸ |
| یزد | ۲/۳۸ | ۵/۶۱ | ۴۰/۵ | ۶۱/۲ |
| هرمزگان | ۲/۷۹ | ۸/۴۶ | ۱۵/۱ | ۲۶/۷ |

(۱) - برآورد درصد رشد سالانه جمعیت بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵.

ماخذ: مرکز آمار ایران

جدول شماره ۳ میزان مهاجرت خالص به مناطق شهری کشور در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ به تفکیک هر سال را به دست می‌دهد. نگاهی به ارقام مهاجرت خالص این جدول بوضوح نشان دهنده آن است که بر میزان مهاجرت به شهرها هر ساله افزوده شده است. یادآوری می‌کنیم که ما این افزایش چشمگیر را معلول توزیع نامتعادل امکانات بین شهر و روستا دانستیم و توزیع اعتبارات عمرانی بین شهر و روستا را شاخص اختلاف توزیع امکانات بین این دو نوع از منطقه در نظر گرفتیم.

جدول شماره ۳

جمعیت مورد انتظار و مهاجرت خالص در مناطق شهری

| سال | شرح موالید مرگ و میر | تعداد افزایش خالص | جمعیت مورد انتظار | جمعیت سرشماری | مهاجرت خالص*** |
|------|----------------------|-------------------|-------------------|---------------|----------------|
| ۱۳۴۵ | ۳۶۰۰۰۰ | ۶۸۰۰۰ | ۲۹۲۰۰۰ | ۹۷۹۵۰۰۰* | - |
| ۱۳۴۶ | ۳۵۹۰۰۰ | ۶۹۰۰۰ | ۲۹۰۰۰۰ | ۱۰۲۷۴۹۵۵** | + ۱۸۹۹۵۵ |
| ۱۳۴۷ | ۳۸۶۰۰۰ | ۷۰۰۰۰ | ۳۱۶۰۰۰ | ۱۰۷۷۸۴۲۸ | + ۳۷۷۴۲۸ |
| ۱۳۴۸ | ۳۷۷۰۰۰ | ۷۲۰۰۰ | ۳۰۵۰۰۰ | ۱۱۳۰۶۵۷۱ | + ۶۰۰۵۷۱ |
| ۱۳۴۹ | ۴۱۹۰۰۰ | ۷۱۰۰۰ | ۳۴۸۰۰۰ | ۱۱۸۶۰۵۹۳ | + ۷۰۶۵۹۳ |
| ۱۳۵۰ | ۴۵۰۰۰۰ | ۶۵۰۰۰ | ۳۸۵۰۰۰ | ۱۲۴۴۱۷۶۲ | + ۹۰۲۷۶۲ |
| ۱۳۵۱ | ۴۲۲۰۰۰ | ۶۷۰۰۰ | ۳۵۵۰۰۰ | ۱۳۰۵۱۴۰۸ | + ۱۱۵۷۴۰۸ |
| ۱۳۵۲ | ۴۴۹۰۰۰ | ۷۳۰۰۰ | ۳۷۶۰۰۰ | ۱۳۶۹۰۹۲۹ | + ۱۴۲۰۹۲۹ |
| ۱۳۵۳ | ۴۶۴۰۰۰ | ۷۱۰۰۰ | ۳۹۳۰۰۰ | ۱۴۳۶۱۷۸۲ | + ۱۶۹۸۷۸۲ |
| ۱۳۵۴ | ۵۲۲۰۰۰ | ۷۳۰۰۰ | ۴۴۹۰۰۰ | ۱۵۰۶۵۵۱۱ | + ۱۹۵۳۵۱۱ |
| ۱۳۵۵ | ۵۵۷۰۰۰ | ۷۷۰۰۰ | ۴۸۰۰۰۰ | ۱۵۸۵۵۰۰۰ | + ۲۲۶۳۰۰۰ |

* = جمعیت سرشماری بین ۱۳۴۵-۱۳۵۵ جمعیت مناطق شهری ۴/۹ درصد در سال

افزایش داشته است.)

** = برآورد با نرخ رشد ثابت.

*** = تفاوت بین جمعیت سرشماری و جمعیت مورد انتظار

مأخذ: محمد علیزاده و کاظم کارزونی، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، معاونت امور اقتصادی، وزارت برنامه و بودجه، آبان ۱۳۶۳.

در برنامه عمرانی سوم کشور که از سال ۱۳۴۱ شروع و به سال ۱۳۴۶ ختم گردید میزان اعتبارات مصوب عمران شهری با داشتن جمعیتی به رقم ۹۷۹۵۰۰۰ در سال ۱۳۴۵، ۷/۳ میلیارد ریال و میزان اعتبارات پرداختی در این بخش ۷/۲ میلیارد ریال بوده است.^{۲۴} اما میزان اعتبارات مصوب روستائی با داشتن جمعیتی به رقم ۱۵۹۹۴۰۰۰ در همین سال ۴/۹۳۳ میلیارد ریال و مقدار پرداختی آن ۴/۷۸۹ میلیارد ریال بوده است.^{۲۵} به عبارت دیگر گرچه جمعیت روستائی بیشتر از جمعیت شهری بوده است اما میزان اعتبارات تخصیص یافته جهت عمران روستائی به مراتب کمتر از اعتبارات مصوب عمران شهری می‌باشد. این روند در برنامه‌های چهارم و پنجم عمرانی نیز مشاهده می‌گردد.

در برنامه چهارم عمرانی کشور که طول آن از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱ می‌باشد. اعتبارات عمران دهات ۱۳/۴۱۵^{۲۶} میلیارد ریال و اعتبارات عمران شهری ۱۸/۲۸۰^{۲۷} میلیارد ریال بوده، در حالیکه جمعیت شهری در سال ۱۳۵۰، ۱۲۳۹۸۰۰۰ نفر و جمعیت روستائی ۱۷۶۳۲۰۰۰ نفر برآورد شده است.

در برنامه پنجم عمرانی کشور (۱۳۵۶-۱۳۵۲) میزان سرمایه‌گذاری ثابت در بخش عمران روستائی ۶۰ میلیارد ریال^{۲۸} و در بخش عمران شهری ۷۳/۵ میلیارد ریال^{۲۹} بوده و این در حالی است که جمعیت شهری در سال ۱۳۵۵، ۱۵۸۵۵۰۰۰ نفر و جمعیت روستائی ۱۷۸۵۳۰۰۰ نفر گزارش شده است. نگاهی به ارقام اعتبارات عمران شهری و عمران روستائی طی سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ و مقایسه آنها با ارقام جمعیت شهری و روستائی نامتعادل بودن توزیع امکانات را به خوبی مشخص می‌کند و برتری مناطق شهری بر روستائی را نشان می‌دهد.

برای نشان دادن روابط اجتماعی مشاغل را به عنوان شاخص عملی معرفی کردیم. طبیعی است که تحول در مشاغل نمایانگر تحول در روابط اجتماعی نیز خواهد بود. وضع اشتغال در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ بر اساس سرشماری سالهای مذکور در جدول شماره ۴ آمده است. این جدول به خوبی نشان می‌دهد که روابط تمرکزگرا در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۴۵ حالت تصاعدی داشته است. این مطلب از پائین آمدن درصد تعداد کارکنان مستقل و بالا رفتن درصد "مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی" به دست می‌آید. کم شدن درصد تعداد "مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی" نیز مؤید نتیجه‌گیری فوق می‌باشد.

تعداد شاغلین ده ساله و بالاتر بر حسب وضع شغلی
در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵

| وضع شغلی | سرشماری ۱۳۴۵ تعداد درصد | سرشماری ۱۳۵۵ تعداد درصد |
|-----------------------------|----------------------------|----------------------------|
| جمع شاغلین | ۶۸۵۸۳۹۶ | ۱۰۰/۰ ۸۷۹۹۴۲۰ |
| کارفرمایان | ۱۵۲۶۲۳ | ۲/۲ ۱۸۲۲۲۹ |
| کارکنان مستقل | ۲۶۵۸۸۵۱ | ۳۸/۸ ۲۸۱۰۲۱۱ |
| مزد و حقوق بگیران بخش عمومی | ۶۶۲۶۶۴ | ۹/۷ ۱۶۷۳۰۹۲ |
| مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی | ۲۶۳۵۶۰۷ | ۳۸/۴ ۳۰۷۱۹۲۷ |
| کارکنان خانوادگی بدون مزد | ۷۰۱۱۶۱ | ۱۰/۲ ۱۰۲۱۳۱۲ |
| اظهار نشده | ۴۷۴۹۰ | ۰/۷ ۴۰۶۴۹ |

مأخذ: مرکز آمار ایران . سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۴۵، کل کشور، تهران، ۱۳۴۶.

مرکز آمار ایران . سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۵۵، کل کشور، تهران، ۱۳۵۶.

نتیجه‌گیری

بر اساس مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ بر اثر برنامه‌ریزیهای رژیم گذشته روابط اجتماعی به سوی تمرکز گزایی پیشروی کرده، امکانات به صورت قطبی توزیع شده، و جمعیت شهرهای کشور به صورت انفجاری افزایش یافته است. روند آمار و اطلاعات ارائه شده در کشور ما حداقل این نکته را به اثبات می‌رساند که تغییرات سه متغیر فوق با یکدیگر همخوانی دارند. بدین معنی که با تمرکزگرا شدن روابط اجتماعی امکانات به صورت متمرکز توزیع می‌گردند و نحوه توزیع امکانات نیز جمعیت را به همانگونه توزیع می‌نماید. اگر مطالعات دیگر به همین نتیجه برسند در این صورت می‌توان استحکام این نظریه را مورد تأیید قرار داد. با این وصف می‌توان پیشنهاد کرد که اگر، با

توجه به این نظریه، قصد ایجاد تعادل در رشد شهرها و روستاها را داریم و اگر برآنیم که از هجوم سیل‌آسای جمعیت به شهرها جلوگیری کنیم در این صورت لازم است که مبدأ و پیا سرچشمه پدیده را پیدا کنیم و اصلاحات خویش را از آن جا آغاز نمائیم. تبدیل روابط اجتماعی متمرکزگرا به روابط اجتماعی غیر متمرکزگرا توزیع امکانات غیرقطبی را به همراه خواهد داشت و این نحوه توزیع امکانات موجب توزیع متعادل جمعیت در مناطق مختلف کشور خواهد شد. این نکته نیز قابل ذکر است که نظریه ارائه شده در سطح کلان مورد مذاکره قرار گرفت و بر اساس آن طرح برنامه‌ریزی متعادل نمودن رشد شهر و روستا در سطح کلان قابل ارائه می‌باشد. مسلماً "موفقیت در امر برنامه‌ریزی و کسب نتیجه مطلوب از آن مستلزم دقت بیشتر در هر یک از مراحل تحقیق حاضر می‌باشد. به عبارت دیگر لازم است موارد کلان مذکور خود به اجزاء داخلی تقسیم شوند و مکانیزم اثرگذاری هر یک از اجزاء بر یکدیگر مشخص گردند. امید است که مطالعات آینده این مهم را بر عهده بگیرند.

منابع و یادداشتها

۱- فرهنگ معین، ج ۴، ص ۴۴۵۷ و

1. Hemmasi, Mohamad. *Migration in Iran, A Quantitative Approach*. Shiraz: Shiraz University, 1974, p. 1.
2. Ravenstein.
3. Ravenstein, E.G., "The Laws of Migration," *Journal of the Royal Statistical Society*, Vol. 48.
4. Redford, Arthur. *Labor Migration in England, 1800-1850*. Manchester: University Press, 1926.
5. Stauffer.
6. Zipf.
7. Stauffer, Samuel A. "Intervening Opportunities: A Theory Relating Mobility and Distance," *American Sociological Review*, Vol. 5(1940), pp. 847-867; and "Intervening Opportunities and Competing Migrants", *Journal of Regional Science*, Vol. 2(1960), pp. 1-26.
8. Zipf, George K. "The $P_1 P_2 / D$ Hypothesis: in the Intercity Movement of Persons," *American Sociological Review*, Vol. 11 (1946), pp. 677-686.
9. Probabilistic Migration Models.

10. Hagenstrand, Thorsten. "Migration and Area," in David Hannerberg, *Migration in Sweden: A Symposium*. Lund Studies in Geography, Series B, *Human Geography*, No 13(Lund, Sweden: C.W.K. Gleerap, 1956), pp. 27-158.
 11. Beshers and Nishiura.
 12. Migration differentials.
 13. Beshers, James M. and Nishiura, Eleanor N. "A Theory of Internal Migration Differentials," *Social Forces* Vol. 39 (1961) pp. 214-218.
 14. Schultz and Sjaasted.
 15. Schultz, Theodore W. "Reflections on Investment in Man," *Journal of Political Economy*, Vol. 60, Part 2(October, 1962) pp. 1-9, and Sjaasted, Larry A. "The Costs and Returns of Human Migration," *Journal of Political Economy*, Vol. 60, Part 2(October, 1962), and Sjaasted, L.A. "The Relationship between Migration and Income in the United States." *Papers and Proceedings of the Regional Sciences Association*, Vol. 6 (1960), pp. 37-54.
 16. Everett S. Lee.
 17. Lee, Everett S. "A Theory of Migration," *Demography*, Vol. 3 (1966), pp. 47-57.
 18. Lowry and Rogers.
 19. Lowry, Ira S. *Migration and Metropolitan Growth: Two Analytical Models*. San Francisco: Chandler Rub. Co, 1966 and Rogers, Andrei. *Matrix Analysis of Interregional Population Growth and Distribution*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1968.
 20. Hemmasi, Mohammad. *Migration in Iran, A Quantitative Approach*, pp. 1-9.
 21. Adaptation.
- ۲۲- گفتگو در مورد تعداد عناصر هر سیستم و خصلت هر یک از عناصر خود بحث مستقلی است که می‌باید در یک مقاله مجزا به آن پرداخت. در اینجا چون در مقام توصیف روش تحقیق می‌باشیم به مقدار فوق بسنده می‌کنیم.
- ۲۳- سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۵۵. تهران، مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۹.
- ۲۴- گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶-۱۳۴۱، سازمان برنامه، ص ۳۱.

- ۲۵- همان، ص ۲۹.
- ۲۶- برنامه چهارم عمرانی کشور، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، سازمان برنامه، ۱۳۴۷، ص ۲۱۶.
- ۲۷- همان، ص ۲۲۲.
- ۲۸- برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۲-۱۳۵۶، خلاصه تجدیدنظر شده، برنامه و بودجه، ص ۱۴۷.
- ۲۹- همان، ص ۱۵۳.

إِنَّمَا هِيَ جَزَاءُ الَّذِي حَمَلَ الْإِثْمَ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبَاسَهُ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ إِنَّكَ بِنَظَرِ رَبِّكَ أَنتَ بَالِغٌ

مهاجران واقعی کسانی هستند که از پلیدی با فاصله گیرند

و هرگز بر گردانندگان علم نگردند

علی علیه السلام